اقتصاد سبز

ردپای برنج در تولید گازهای گلخانه‌ای

فاطمه پاسبان
کارشناس کشاورزی

● یکی دیگر از فعالیت‌های بخش کشاورزی که گازهای گلخانه‌ای ایجاد می‌کند، کشت برنج است. برنج از خانواده گندمیان و یکی از غلات اساسی مورد مصرف انسان است. در بین غلات موجود در دنیا، برنج تنها غله‌ای است که به‌عنوان غذای انسان تولید می‌شود. به همین دلیل سازمان خواربار جهانی بنا به اهمیت برنج، سال۲۰۰۴ را سال برنج نامگذاری کرد تا به اهمیت این محصول درسبد تغذیه‌ای خانوار اشاره کند. مطابق آمار فائو سطح زیرکشت برنج از ۱۵۲میلیون‌هکتار در سال۲۰۰۱ به ۱۶۳میلیون‌هکتار در سال۲۰۱۲ بالغ شده که طی این دوره سالانه حدود ۰/۶درصد افزایش یافته است. از سوی دیگر آمار تولید هم حاکی از افزایش میزان تولید برنج جهان از رقم ۵۹۸تن در سال۲۰۰۱ به رقم ۷۲۰میلیون‌تن در سال۲۰۱۲ است که سالانه حدود ۱/۷درصد افزایش نشان می‌دهد. یعنی هم سطح زیرکشت و هم تولید در طول زمان افزایش داشته است. نگاهی به آمار مصرف سرانه برنج در جهان نشان می‌دهد؛ مصرف سرانه برنج از رقم ۵۲/۸کیلوگرم در سال۲۰۰۱ به رقم ۵۴کیلوگرم در سال۲۰۱۲ بالغ شده که سالانه حدود ۰/۲درصد افزایش داشته است. مشاهده آمار مصرف برنج نشان از اهمیت این ماده غذایی در سبد خانوار است. به عبارتی ارقام حاکی از آن است که برای تغذیه انسانی رشد تولید برنج لازم است اما از سوی دیگر کشت برنج خود موجب تولید و انتشار گازهای گلخانه‌ای می‌شود. شالیزارهای برنج یکی از منابع بزرگ تولید متان محسوب می‌شوند. برنج در آب است و باعث می‌شود در بلندمدت میزان اکسیژن در خاک کاهش یافته و فرآیند گردشی اکسیژن کاسته شود و موجب فساد مواد آلی در طول فصول مرطوب در درون خاک شود؛ در نتیجه گیاه برنج قادر نخواهد بود که کربن را در شرایط بدون‌هوازی نگهداری کند. متان به‌وسیله باکتری‌های متانوژنیک و از تجزیه بی‌هوازی شلتوک‌های برنج شناور در آب تولید می‌شود. این گاز پس از تولید به‌صورت حباب‌هایی از درون آب بالا می‌آید و در هوا پراکنده می‌شود. لازم به ذکر است در بین گیاهان هم‌خانواده برنج تنها شلتوک برنج است که توانایی انجام چنین فرآیندی را دارد که آن هم به‌دلیل شرایط خاص زراعی آن است. ارقام منتشر شده توسط فائو نشان می‌دهد در سال۲۰۱۱ مجموع تولید گازهای گلخانه‌ای حاصل از کشت برنج برابر ۵۲۲تن معادل دی‌اکسیدکربن بوده که در این سال حدود ۱۰درصد از کل تولید گازهای گلخانه‌ای از کشاورزی همان سال را به خود اختصاص داده است. این رقم حاکی از سهم بالای کشت برنج در تولید گاز گلخانه‌ای بخش کشاورزی است. نکته دیگر آمار منتشر شده این است که ۹۵درصد گاز گلخانه‌ای حاصل از کشت برنج در این سال متعلق به کشورهای غیرمتعهد در ضمیمه I است. در طول دوره ۲۰۱۱-۲۰۰۱، انتشار گاز گلخانه‌ای حاصل از کشت برنج در جهان سالانه هشت‌درصد افزایش یافته است یعنی از ۴۸۳ به ۵۲۲تن معادل دی‌اکسیدکربن بالغ شده است. این رشد عموما ناشی از کشورهای غیرمتعهد ضمیمه I است، به‌طوری که برای این کشورها رقم تولید گاز گلخانه‌ای کشت برنج از رقم ۴۵۹ به ۵۰۰تن طی دوره رسیده که حدود ۹درصد سالانه رشد داشته است. برای کشورهای متعهد از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۱، تولید گازهای گلخانه‌ای کشت برنج حدود ۱۵درصد کاهش یافته که در مقابل در همین دوره تولید گازهای گلخانه‌ای کشت برنج برای کشورهای غیرمتعهد ۱۴درصد افزایش نشان می‌دهد. در طول دوره ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۱ آسیا بزرگ‌ترین تولیدکننده گازهای گلخانه‌ای ناشی از کشت برنج با ۸۹درصد سهم و پس از آن آفریقا با پنج‌درصد، آمریکا پنج‌درصد و اروپا یک درصد سهم است. میانگین رشد سالانه انتشار گازهای گلخانه‌ای حاصل از کشت برنج طی دوره ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۱ برای قاره آفریقا ۳/۱درصد که بیشترین نرخ رشد در تولید گازهای گلخانه‌ای کشت برنج را داشته است و بعد از آن قاره اروپا با دو درصد، قاره آسیا با ۰/۹درصد، قاره آمریکا ثابت و اقیانوسیه با منهای۳/۱۸درصد است که در اقیانوسیه به‌شدت کاهش یافته است. پیش‌بینی می‌شود انتشار گازهای گلخانه‌ای ناشی از کشت برنج در سال‌های۲۰۳۰ و ۲۰۵۰ به ترتیب هفت و شش‌درصد افزایش یافته و به بیش از ۵۰۰تن معادل دی‌اکسیدکربن در سال۲۰۵۰ برسد. یعنی در طول زمان به‌دلیل افزایش کشت برنج انتظار افزایش انتشار گازهای گلخانه‌ای از این منبع است. این در شرایطی است که با افزایش جمعیت جهان، میزان تقاضا برای برنج نیز افزایش یافته و لاجرم انتشار متان هم افزایش می‌یابد. طبیعتا بدون اتخاذ اقدام‌های کارآمد، انتشار متان از شالیزارهای برنج رشد چشمگیری خواهد داشت. در این میان راهکارهای متفاوتی توسط محققان همچون بهره‌گیری از شیوه‌های مدیریتی مناسب مانند زهکشی میان فصلی، استفاده از کودهای جایگزین، کشت ارقامی از برنج که مقاومت بالاتری در برابر گرما داشته و تنظیم تاریخ کشت تا حد زیادی می‌تواند از انتشار متان به ازای هرکیلوگرم برنج جلوگیری کند.

بررسی چالش‌های رییس سازمان بورس در گفت‌وگو با کارشناسان:

شاخص کل را دستمایه ارزیابی عملکرد قرار ندهید

عکس: محمد موبدی، شرق

آرزو علیمدد: بازار سرمایه به تغییرات اخیر روی خوش نشان داد. بازار که مدت‌ها بود با لجبازی حتی به اخبار مثبت هم روی خوش نشان نمی‌داد، انگار تغییرات اخیر را باب میلش دیده است. هرچند معضلات بنیادی، اقتصادی و سیاسی حاکم بر کشور سبب شده تا برخی از شرکت‌ها نتوانند به آنچه باید، عمل کنند اما، بعد از مدت‌ها گویی سرمایه‌گذاران قدیمی و آنان که به‌طور حتم تاثیر بسزایی در عملکرد بازار دارند، قصد دارند دست از قهر بردارند و دوباره راهی بازار سرمایه شوند. کمتر از دوهفته از تغییر رییس سازمان بورس می‌گذرد اما، با وجود اینکه مدیر جدید هنوز زمانی برای به‌تصویرکشیدن افکار و اعمالش نداشته است، امید به تغییر و بهبود شرایط سرمایه‌گذاران سبب شده تا سرمایه‌گذاران هرچند آهسته دوباره درصدد بازگشت به بازار باشند. شرایط کلی اقتصاد برای رشدی سریع و بزرگ فراهم نیست اما، سرمایه‌گذاران بازار سرمایه باهوش‌اند، آنها می‌دانند که باید قیمت آینده را امروز پرداخت کنند تا بتوانند سود مناسبی کسب کنند. آنچه سبب رشد بازار و بازگشت آن به مسیر اصلی می‌شود رشد بی‌رویه و بی‌دلیل قیمت‌های امروز نیست بلکه، اطمینان از ادامه روند پیشرفت و توسعه بازار است که می‌تواند سرمایه‌گذاران را به افزایش تقاضا و کاهش عرضه تشویق کند.

اهالی بازار سرمایه خودی و ناخودی نیستند

کامیار فراهانی‌فرد، یکی از تحلیلگران بازار سرمایه با اشاره به متفاوت‌بودن جنس ریزش اخیر بازار توضیح داد: معمولا مسایل درونی و مشکلات سیاسی مسبب ریزش‌های بازار بود؛ مثلا فلان قطعنامه صادر می‌شد و واکنش بورس به آن، ریزش بود، یا با تغییر مسوول یا مدیری رده بالا، بورس یکی،دوروزی دستخوش تغییر می‌شد. اما متاسفانه در حال حاضر مشکلات بازار سرمایه عمیق‌تر از گذشته است زیرا، نه‌تنها عوامل سیاسی روی آن سایه افکنده بلکه، شرکت‌های بورسی خود نیز در پوشش بودجه‌های‌شان با مشکل مواجه‌اند. به‌عنوان مثال شرکت‌های سیمانی به‌دلیل مشکلاتی که گروه داعش در عراق پدید آورده، دچار مشکلات صادراتی شده‌اند. از سوی دیگر برای اولین‌بار در طول تاریخ ما شاهد وجود مازاد سنگ‌آهن در کشور هستیم. به موازات، قیمت‌های جهانی این محصول نیز در روندی نزولی به‌سر می‌برد.

فراهانی ادامه داد: نزول قیمت نفت هم فروش محصولات پتروشیمی را تحت‌الشعاع قرار داده و سبب کاهش قیمتشان شده، از سوی دیگر، شرایط تورمی، بانک‌ها را ناگزیر به پرداخت سود بالا به سپرده‌گذاران کرده است. در کنار تمامی این عوامل، رکود در بخش صنعت را نیز در نظر بگیرید. در نتیجه مجموع این عوامل به همراه مشکلات قدیمی نظیر مسایل هسته‌ای، تحریم‌ها و... سبب شده تا شرایط حاکم بر بورس، باب میل سرمایه‌گذارانش نباشد.

این تحلیلگر بازار سرمایه خاطرنشان کرد: «رییس سازمان بورس باید بسترساز باشد و مسیر حرکت بازار را تبیین کند. این انتظار غلطی است که از وی بخواهیم نقشی حیاطی در مثبت یا منفی‌شدن بازار ایفا کند. اما آنچه از وی انتظار می‌رود این است که تلاشش در راستای بهبود عملکرد بازار و هدایتش به مسیر صحیح باشد. در این میان شاید یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیش رویش، افزایش شفافیت اطلاعاتی در بازار سرمایه باشد. متاسفانه برخی اوقات اطلاعات شرکت‌ها در انتظار نشر می‌مانند درحالی‌که به‌منظور افزایش کارایی بازار، باید اطلاعات هرچه‌سریع‌تر در اختیار سرمایه‌گذاران قرار گیرد. کیفیت اطلاعات منتشرشده نیز مطلوب نیست مثلا جزییات حصول سود شرکت‌ها به‌خوبی منعکس نمی‌شود و این امر تحلیلگران را با مشکل مواجه می‌کند.»

فراهانی‌فرد با عنوان این مطلب که شاید بهتر باشد رییس سازمان، شأن خود را به‌عنوان یک رییس حفظ کرده و درگیر مسایل گروهی و باندبازی نشود، گفت: «اگر رییس سازمان، این مکان را تبدیل به محل امنی برای سرمایه‌گذاران بکند تا بتوانند آزادانه با وی در ارتباط باشند، مشکلات بازیگران اصلی، یعنی سرمایه‌گذاران هرروز بزرگ‌تر از روز گذشته نخواهد شد و وی نیز آرام و پیوسته قادر به برطرف‌کردن مشکلات خواهد بود. اینکه سرمایه‌گذاران یک بازار با شنیدن اسم سازمان مطبوعشان بهراسند و نگران شوند، سیگنال خوبی برای بازار نیست، چراکه حکایت از این دارد که مدیر مربوطه، هدفی در راستای حفظ منافع سرمایه‌گذارانش ندارد. سازمان باید مامنی برای سرمایه‌گذارانش باشد نه اینکه محلی برای سلب آرامششان.»

وی در ادامه اظهار کرد: «پرهیز از درگیرشدن با مسایل ریز و بی‌ارزش نیز می‌تواند بسیاری از مشکلات بازار را به دست فراموشی بسپارد. مسایلی از قبیل تغییرات دستوری و اجباری در خریدوفروش سهام شرکت‌ها که خود به‌طور جد، دستکاری در بازار قلمداد می‌شود. در این راستا، بهره‌جویی از افراد با تجربه و باسواد در سمت‌های حساس و نظارتی، می‌تواند گره بسیاری از مشکلات کنونی را بگشاید.

تقسیم اهالی بازار سرمایه به دودسته خودی و غیرخودی، از دیگر مشکلاتی است که سرمایه‌گذاران کنونی با آن دست‌وپنجه نرم می‌کنند. در این تقسیم‌بندی، مثلا گفته می‌شود فعالان بازاری که در فلان دانشگاه تحصیل کرده‌اند خودی و دوست و سایرین غیرخودی و دشمن هستند.»

فراهانی‌فرد با اشاره به اینکه چنین جناح‌بندی‌هایی به مرور زمان مشکلات زیادی را به همراه می‌آورد، گفت: «در چنین شرایطی، شرکت‌های فعال و قدرتمند در بازار نیز رفته‌رفته به لجبازی روی آورده و از آنجا که راهی نیز برای تعامل با مدیران ندارند، برای انتقام‌گرفتن از شرایط حاکم، یا دست به شیطنت زده مثلا با افزایش فشار عرضه، برخی سهام را منفی می‌کنند یا با خروجشان از بازار، بخش بزرگی از نقدینگی‌شان را خارج می‌کنند و نقدشوندگی بازار را با اخلال مواجه می‌کنند. شاید یکی از مهم‌ترین مشکلات پیش روی رییس جدید سازمان، آشتی‌دادن و بازگشت این دسته از سرمایه‌گذاران باشد که به‌دلیل مشکلات موجود، چندی است با بازار سرمایه قهر کرده و از آن خارج شده‌اند. واقعیت این است که بورس ما در حال حاضر برای بازگرداندن این سرمایه‌گذاران به بورس، نیازمند یک ریش‌سفید است که با کدخدامنشی سرمایه‌گذارانی که قهر کرده‌اند را به بازار بازگرداند و با مهیاکردن آرامششان، حضورشان در بازار را تثبیت کند.»وی عدم توجه به خواسته‌های سرمایه‌گذاران را نیز از دیگر مشکلات کنونی بازار دانسته و مطرح کرد: گوش‌سپردن به گفته‌های منتقدان می‌تواند راهگشای مسیر پیشرفت و بازگشت به مدار اصلی باشد. همان‌طور که خفه‌کردن صدای منتقدان در نطفه، به‌طور حتم پیامد مثبتی در بر نخواهد داشت. به نظر من، اگر قرار است رییس کنونی، هادی بازار باشد، بهتر آن است که بزرگی‌اش را در چگونگی برخوردش با مشکلات بازار به نمایش گذارد نه آنکه خود و سازمان متبوعش در اکثر دعواها و مشکلات خود، یک سر قضیه باشند.»

این تحلیلگر بازار سرمایه ابراز کرد: «بسیاری از مشکلات سال‌هاست که فریاد زده می‌شود و آنقدر تکرار شده که دوباره گویی‌اش تنها نوعی وقت هدردادن است. مشکلاتی نظیر بازگشایی بی‌قاعده و قانون نمادهای متوقف، عدم نظام‌مندکردن پرداخت سود سهام سهامداران، شکستن انحصار کارگزاری‌ها، مبارزه با فساد درون سازمان و شرکت‌ها، مبارزه با ویژه‌خواری‌ها و مجوزهای گوناگون از جمله این مشکلات است.» فراهانی با کنایه به مشکلات صندوق حمایت از بازار که چندی پیش به‌منظور جلوگیری از ریزش بازار طراحی شد اشاره کرد و توضیح داد: «شاید بهتر آن باشد که اگر روزی به‌منظور حمایت از بازار سرمایه مقرر شد تا صندوقی راه‌اندازی شود، در مدیریت، نحوه معامله و خرج‌شدن پول بیت‌المال، دقت نظر بیشتری اعمال شود.»

این کارشناس بازار سرمایه ادامه داد: «گسترش سهامداری در کشور خوب است. اما زمانی که تعداد سهامداران از حدی بالاتر می‌رود، فرهنگ غالب بازار به فرهنگ سهامداران نورود تغییر می‌کند، بنابراین اگر این افراد آموزش‌های مناسب، لازم و مکفی را ندیده باشند یا با انتظارات عجیب‌وغریب و رویاهای دست‌نیافتنی اما خوش‌رنگ و لعاب وارد بازار سرمایه شده باشند، علاوه‌بر زیان خودشان، قطعا آسیب‌های جدی بر پیکره بازار سرمایه وارد خواهند کرد.»

فراهانی در ادامه ابراز کرد: «نقدشوندگی پایین و عمق کم بازار، از دیگر مشکلات بنیادین بورس ماست که نیازمند رسیدگی و توجه است. اما نباید به‌منظور حل این مشکلات، مشکل دیگری را به بازار اضافه کرد. مثلا برای رفع مشکل نقدشوندگی، با تبلیغات نادرست، خیل عظیمی از سهامداران ناآشنا را وارد بورس کنند چراکه نتیجه آن چیزی جز متلاطم‌کردن شرایط و نوسان‌های بورس نخواهد بود.»

وی با گلایه‌ای قدیمی درخصوص نحوه محاسبه شاخص کل گفت: «ای‌کاش رییس جدید سازمان، شاخص قیمت را به بورس بازگرداند و عدد آن را در ۱۰سال گذشته افشا کند. چراکه با توجه به شاخص بازده نقدی که در حال حاضر منتشر می‌شود، حتی اگر تمام قیمت‌ها ثابت بمانند، شاخص حدود ۲۰درصد در سال افزایش می‌یابد. بنابراین به قطع یقین این شاخص ملاک مناسبی برای ارزیابی تغییرات قیمت‌ها به شمار نمی‌رود.

وی در پایان خاطرنشان کرد: «به‌طور حتم اینکه انتظار داشته باشیم رییس جدید در کوتاه‌مدت به تمامی این دردها رسیدگی کند، انتظاری نابجاست. اما همین که افکاری مثبت، منشی خردمندانه و رفتاری بزرگانه داشته باشد، برای دمیدن روحیه و بازگرداندن امید به روح سرمایه‌گذاری در بازار کافی است. توصیه پایانی من این است مدیران جدید، عملکرد خود را به مثبت یا منفی‌شدن شاخص ربط ندهند. اما اگر زمانی این اشتباه استراتژیک را تکرار کردند و ارزیابی عملکردشان را با مثبت‌بودن شاخص گره زدند، در زمان نزول شاخص هم، صادقانه و صمیمانه منفی‌بودنش را بپذیرند.

تفکر غالب بر اقتصاد کشور ما، بسیار سنتی است. همین امر سبب می‌شود هم دولتمردان توجهی که باید به بازار سرمایه نداشته باشند و هم مردم از لحاظ دانش مالی در سطح مناسبی نباشند. برای اثبات این موضوع می‌توان به کدهای سهامداری اشاره کرد. در حال حاضر، حدود هفت‌میلیون کد سهامداری داریم اما بسیاری از آنها حتی فعال هم نیستند

نیاز بازار به نقدینگی پایدار

حسین خواجویی با تقسیم مشکلات بازار سرمایه به دو بخش درونی و بیرونی توضیح داد: در چندسال گذشته عدم‌آشنایی علمی مدیران اجرایی کشور ابزارهای اقتصادی و ساختار اقتصادی کشور سبب بروز مشکلات عدیده‌ای شد. به‌دلیل عدم‌آشنایی مسوولان در بخش‌های کلان اقتصاد با بازار سرمایه، رفته‌رفته نقش‌آفرینی بازار سرمایه در تامین مالی شرکت‌ها رنگ باخت. چراکه مسیر هدایت نقدینگی و تامین مالی و به موازاتش، عدم‌آگاهی کافی مدیران اجرایی کشور از جایگاه بالقوه‌ای که بورس و بازار سرمایه می‌تواند در اقتصاد ایجاد کند، برای مسوولان ناشناخته بود. از این‌رو توجه کافی به بازار سرمایه نداشتند.

این تحلیلگر بازار سرمایه بالابودن ریسک سیستماتیک بازار سرمایه را از دیگر مشکلات بیرونی بازار سرمایه مطرح و ابراز کرد: «ساختار حکومتی و اقتصاد سنتی، در کنار مشکلات سیاسی و تفکرات ایدیولوژیک ما نیز این ریسک را افزایش می‌دهد. چراکه به‌دلیل پاره‌ای از ملاحظات، گاهی منطق بر اقتصاد ما حاکم نیست و دودوتا چهارتا نمی‌شود. این در حالی است که منطق به‌صورت قوی بر بازار سرمایه حاکم است و در این بازار همیشه دودوتا چهارتا می‌شود. این تناقض سبب بروز مشکلاتی در بازار سرمایه خواهد شد چراکه بازار سرمایه همواره به‌دنبال منطق و منافع است اما سیاست در کنار اقتصاد، گاه منطق نمی‌شناسد. خواجویی به جایگاه بازارهای موازی با بازار مالی کشور نیز اشاره و اظهار کرد: «متاسفانه تفکر غالب بر اقتصاد کشور ما، بسیار سنتی است. همین امر سبب می‌شود هم دولتمردان توجهی که باید به بازار سرمایه نداشته باشند و هم مردم از لحاظ دانش مالی در سطح مناسبی نباشند. برای اثبات این موضوع می‌توان به کدهای سهامداری اشاره کرد. در حال حاضر، حدود هفت‌میلیون کد سهامداری داریم اما بسیاری از آنها حتی فعال هم نیستند. درواقع می‌توان امیدوار بود که فعالان بازار کمتر از دومیلیون کد هستند؛ این اعداد خود نشان از کم‌آگاهی مردم از بازارهای مالی دارد.

وی در ادامه اذعان کرد: «بازارهای مالی، به‌روز هستند و اطلاعاتشان هرروز تغییر می‌کند. چراکه این بازارها براساس منافع آتی شکل می‌گیرند و ارزش آنها مدام در حال تغییر است. بنابراین اگر کسی درصدد است تا در این بازار به حیاتش ادامه دهد، باید همواره بر دانشش بیفزاید و از اطلاعات به‌روز آگاه باشد. این در حالی است که سایر بازارهای موازی، مانند ملک، اینگونه نیستند و اطلاعاتشان به‌روز نمی‌شود. نکته جالب اینجاست که اگر مثلا تحریم‌ها شدید شوند و بر فعالیت کارخانه‌ها تاثیر بگذارند، به‌طور حتم بازار ملک تحت‌الشعاع قرار خواهد گرفت چراکه ملک، جزو سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت به‌شمار می‌آید اما به‌دلیل کم‌آگاهی بسیاری از سرمایه‌گذاران، در چنین شرایطی بازار ملک به‌دلیل فرورفتنش در رکود، شاید ۲۰درصد نزول داشته باشد اما، بازار سرمایه با ریزش شدید همراه خواهد شد چراکه تفکر سنتی می‌گوید: «ملک همیشه افزایش می‌یابد.»

خواجویی در ادامه خاطرنشان کرد: «بانک‌ها بخش بزرگی از نقدینگی کشور را در اختیار دارند اما، تفکر غالب بر مدیران آنها نیز سنتی است و ترجیح می‌دهند تا نقدینگی‌شان را در بازار ملک سرمایه‌گذاری کنند تا بازار سرمایه. درواقع بخش بزرگی از مشکلات ما در این بخش، روان‌شناختی است که اغلب سرمایه‌گذاران، دارایی فیزیکی را قبول دارند و سهام را دارایی قلمداد نمی‌کنند.

بنابراین می‌توان گفت که عدم‌شناخت بسیاری از مسوولان اجرایی از بازار سرمایه، بالابودن ریسک سیستماتیک به‌دلیل ساختار سیاسی و اقتصادی حاکم بر کشور و تفکر سنتی حاکم بر بازارهای مالی و اقتصادی، از جمله عوامل برون‌زایی هستند که اجازه نقش‌آفرینی مناسب به بازار سرمایه را نمی‌دهند؛ برای مثال، در حال حاضر بسیاری از سهام با پی به‌ای بسیار پایین عایدی قابل توجهی دارند اما، به‌دلیل عدم شناخت سرمایه‌گذاران از بازارهای مالی، ترجیح می‌دهند نقدینگی‌شان را در بانک‌ها بگذارند و به پرداخت سودشان راضی باشند. همین امر، سبب تضعیف بازار سرمایه خواهد شد.

این تحلیلگر بازار سرمایه در ادامه به عوامل درون‌زای بازار اشاره و ایراد کرد: «متاسفانه آنچه سبب تضعیف بازار سرمایه ما در سال‌های اخیر شد این بود که در پاره‌ای از موارد شاهد عدم اجرا و توجه به قانون بازار سرمایه بوده‌ایم و گاه شایعاتی درخصوص دستکاری‌هایی در قیمت نیز شنیده می‌شود. در کنار این عوامل، سلیقه محوربودن مدیران به خصوص در بازگشایی و توقف نمادها نیز از دیگر مشکلات درونی است؛ چراکه گاه شاهد آنیم که یک نماد تنها چندروز و دیگری چندین ماه متوقف و بسته می‌مانند. از سوی دیگر برخی رانت‌های اطلاعاتی نیز سبب بی‌اعتمادی سرمایه‌گذاران به بازار خواهد شد؛ برای مثال در چند وقت اخیر شاهد بودیم که برخی شرکت‌ها با انتشار اطلاعیه شفاف‌سازی‌شان اعلام کرده‌اند که مثلا فلان قرارداد بسته نشده و سودی نیز برای شرکت محقق نخواهد شد. در چنین شرایطی منطقی است که قیمت این سهم با توجه به اطلاعات جدیدش کاهش یابد اما، در پاره‌ای از موارد شاهدیم که نه‌تنها قیمت کاهش نمی‌یابد که افزایش نیز خواهد یافت. جالب اینجاست که گاه شاهدیم در آینده‌ای نه چندان دور، شایعات به واقعیت می‌پیوندند و اطلاعیه شفاف‌سازی به‌درستی عمل نمی‌کند.»

خواجویی ادامه داد: «متاسفانه دخالت مدیران در مدیریت شاخص، نمونه بارز دستکاری در قیمت است. چراکه در زمان ریزش بازار، نمادهایی که سبب ریزش شاخص می‌شوند، به‌صورت دستوری از حجم معاملاتشان کاسته می‌شود تا از تاثیرشان بر ریزش شاخص جلوگیری شود. مجموعه این عوامل سبب بی‌انگیزگی سرمایه‌گذاران خواهد شد. درواقع آنچه سبب تاسف می‌شود این است که در اکثر اوقات سرمایه‌گذاران حقیقی بازار، درگیر لجبازی‌ها و کدورت‌های مدیران و حقوقی‌ها می‌شوند.»

این کارشناس بازار سرمایه به انحراف گزارش‌های منتشره از سوی برخی شرکت‌ها نیز اشاره و با گلایه اذعان کرد: «گاه شاهد این هستیم که شرکتی در اطلاعیه خود تعدیل مثبت بالایی اعلام می‌کند. از این‌رو قیمت سهامش افزایش چشمگیری دارد. اما به‌یک‌باره و پس از گذشت مدتی نماد ناگهان متوقف و این‌بار تعدیل منفی بالایی اعلام می‌کند. در این میان کسی هم مدیر شرکت مربوطه را بابت انتشار چنین اطلاعاتی بازخواست نمی‌کند. اینگونه مشاهدات، نتیجه‌ای جز عدم اطمینان سرمایه‌گذار به بازار و ناکارآمدی بازار نخواهد داشت.، بنابراین اگر به‌دنبال حضور فعال و مستمر سرمایه‌گذاران در بورس هستیم، باید حداقل تضمین‌هایی برای عدم دستکاری‌ها در قیمت وجود داشته باشد و مدیران شرکت‌ها درخصوص انحرافات گزارش‌هایشان پاسخگو باشند.»

خواجویی به یکی‌بودن نهاد مجری و ناظر در بازار سرمایه اشاره کرد و گفت: «هدف از تقسیم نهادهای بازار به دو بخش سازمان و شرکت بورس این بود که اولی ناظر و دومی مجری باشد اما، در عمل سازمان نقش هردو را برعهده گرفت و در طول این سال‌ها نهاد ناظر هرگز کوچک‌ترین اعتراضی به عملکردها نداشت و تخلفی را ندید.»

وی ادامه داد: «یکی‌دیگر از مشکلاتی که اغلب مدیران ما از جمله مدیران بازار سرمایه دارند این است که برنامه مدونی برای فعالیت‌هایشان اعلام نمی‌کنند. بنابراین هیچ‌گاه ترازوی مناسبی برای ارزیابی عملکردشان وجود ندارد. مثلا اگر شما بخواهید به عملکرد یک مدیر نمره بدهید، چه معیاری برای مقایسه دارید؟ در بازار سرمایه مدیران قبلی با مدیریت شاخص، سعی در انتخاب معیاری برای ارزیابی عملکردشان کردند. خواجویی به عدم‌توزیع ریسک در بورس اشاره و ابراز کرد: «متاسفانه بازار سرمایه ما از کاراترین ابزارهای مالی مانند آپشن‌های خریدوفروش یا فروش استقراضی و قراردادهای فیوچرز، به‌منظور پوشش ریسک، محروم است. هر آنچه نیز در حال حاضر در بازار است، نصفه‌ونیمه است و به هیچ‌وجه جوابگوی نیاز بازار نیست. گاه ما شاهد ارایه ابزار مالی جدیدی به بازار هستیم اما این ابزار که در بازارهای سراسر دنیا به کمک سرمایه‌گذاران می‌آید اینقدر با محدودیت‌های گوناگون نظیر اعمال روی برخی سهام خاص یا ارایه در مدت زمانی محدود و... مواجه می‌شود که کارایی‌اش را در بازار ما از دست می‌دهد.»

ادامه در صفحه ۱۵

نگاه

جای خالی آژانس‌های «امید»

شهریار احمدبیگی . مدرس دانشگاه

● زمانی در این مملکت، بنایی و کارگر ساختمان‌بودن، یک‌هنر و موهبت بود. امروز حوزه ساختمان بسیار آسیب‌دیده و نگاه هنری و مهندسی روبه‌افول گذاشته و جای خود را به تجارت و فرهنگ دهشتناک بساز- بفروش داده است. لازم است نوعی تحول راهبردی در این حوزه اتفاق افتد وگرنه روزی خواهد رسید که کارگر ساختمانی را با چندین‌برابر قیمت و با هزارخواهش‌وتمنا از خارج وارد کنیم، چراکه بازتولید آن درحال کاهش است. شرکت‌های مهندسی ساختمان، نتوانسته‌اند کارگران ساختمانی را به جایگاه واقعی خود برسانند، توجه و تمرکز این شرکت‌ها بیشتر بر پیمانکاران و کارفرمایان و مسایل فنی بوده و کمترین‌توجه نصیب کارگران ساختمانی شده است. موسسات کاریابی نیز تفکر و مکانیسم لازم را برای سامان‌بخشی به کارگران ساختمانی ندارند و این بیشتر به‌خاطر خاص‌بودن ماهیت کار ساختمانی است. سایر طرح‌ها در این خصوص نیز نتوانسته اوضاع نابسامان این کارگران را سامان دهد. چاره کار، سازماندهی، ساماندهی و نظم‌بخشی به امور این کارگران، در قالب بنگاه‌هایی تحت عنوان «بنگاه کارگران ساختمانی» در سراسر کشور است تا تمامی امور کارگران ساختمانی از طریق این بنگاه‌ها جاری شود. نبود متولی مشخص در امر ساماندهی کارگران ساختمانی و فقدان تلاش و بهتر است بگویم عدم‌برنامه‌ای مدون و دقیق برای حل معضلات این‌دسته از کارگران، هرروز مشکلات عدیده‌ای را برای آنان رقم زده است. بنگاه‌های کارگران ساختمانی باید تحت عنوان «آژانس‌های امید» نام‌گذاری شوند و کارکردشان ساماندهی امور مربوط به کارگران ساختمانی باشد. هربنگاه درواقع به‌نوعی عرضه‌کننده رسمی و قانونی نیروی کار ساختمانی خواهد شد. مراحل فرآیندی می‌تواند شامل مراحل زیر باشد:

- ثبت‌نام از کارگران ساختمانی
- تشکیل پرونده منسجم و ارایه کدرهگیری پرونده (کد رهگیری در واقع به نوعی آی‌دی‌دیجیتال شخصی کارگران است.)
- تشکیل پایگاه اطلاعاتی منسجم از کارگران ساختمانی و معرفی به کارگاه‌ها و شرکت‌های مهندسی ساختمانی
- اعزام کارگران ساختمانی به دوره‌های آموزشی
- معرفی کارگران ساختمانی برای بهره‌مندی از خدمات رفاهی و سبدهای گوناگون حمایتی
- پیگیری بیمه کارگران ساختمانی
- نظارت برکارگاه‌های ساختمانی و پروژه‌های ساخت‌وساز در جهت رعایت استانداردهای کاری برای حمایت از کارگران ساختمانی (ایمنی، معیشت، اسکان، بیمه و....)
- معرفی کارگران ساختمانی به استراحتگاه‌های در نظر گرفته‌شده. حتی می‌توان در کنار همین بنگاه‌ها، استراحتگاه ایجاد کرد. این استراحتگاه‌ها باعث خواهد شد کارگران ساختمانی از حالت «کارتن‌خوابی» بیرون آمده و سامان یابند و در ایامی که بیکارند، ملجا و ماوایی داشته باشند.
- صدور شناسنامه سلامت کارگران ساختمانی به‌منظور کنترل سلامت آنان.

بنگاه‌ها (آژانس‌های امید) اوضاع نابسامان کارگران ساختمانی را سامان خواهند بخشید. اگر آژانس‌های امید دایر شوند، دیگر شاهد حضور کارگران در کنار میدان‌ها و عرضه ارزان‌قیمت نیروی کاری خود به پیمانکاران و دلالان ساختمان‌سازی نخواهیم بود. در گرمای تموز و سرمای استخوان‌سوز، همواره شاهد حضور کارگران در میدان‌های شهرها بوده‌ایم.

عدم‌نرخ‌گذاری مشخص در حوزه دستمزد کارگران ساختمانی، موجب کالاشدن نیروی کار در این مشاغل شده است.

ادامه در صفحه ۱۵

قابل توجه واحدهای حقوقی و اقتصادی
کلیه سازمان ها و ارگان ها
دوره جدید شماره ۴ ماهنامه حقوق و اقتصاد
ماهنامه علوم اقتصادی
منتشر شد

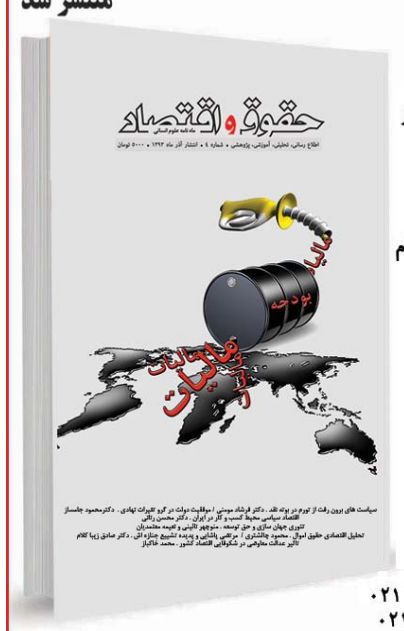

مقالاتی از:
دکتر محمود جامساز
دکتر فرشاد مومنی
دکتر محسن رنانی
دکتر صادق زیبا کلام
منوچهر نائینی
نعیمه معتمدیان
محمود چالشتری
محمد خاکباز

جهت اشتراک و سفارش خرید مجله،
تلفن: ۵- ۶۶۹۰۵۳۴۳ - ۰۲۱
دورنگار: ۶۶۹۰۷۶۱۳- ۰۲۱
info@law-economy.ir
www.law-economy.ir